



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۹۷

مصادف با: ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۶۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

نکته چهارم، در رابطه با شرط سیزدهم [اخلاص] از شرائط وضو، این است که به نظر مرحوم سید (ره) ریا به هر نحوی که در عمل عبادی، از جمله وضو، صورت گیرد، موجب بطلان آن عمل می‌شود، هرچند که در اصل عبادت ریا نشود و در کیفیت عبادت ریا شود، لکن قول مختار این است که در فرضی که در کیفیت عبادت ریا شود و کیفیت مورد ریا با عبادت متحد باشد، به بطلان عمل عبادی حکم می‌شود، ولی اگر کیفیت مورد ریا با عبادت متحد نباشد، بلکه مباین باشد، به صحت عمل عبادی حکم می‌شود. پس در رابطه با کیفیت مورد ریا دو فرض متصور است.

فرض اول، این است که کیفیتی که مورد ریا قرار گرفته است، با عبادت متحد باشد که در این صورت، به بطلان آن عمل عبادی حکم می‌شود، مثل ریا در نماز در اول وقت که شخص در کیفیت نماز ریا می‌کند، یعنی نمازی را که می‌توان در اول وقت، وسط وقت یا آخر وقت خواند، ریائاً در اول وقت می‌خواند یا اینکه نماز را ریائاً در مسجد می‌خواند یا اینکه ریائاً رو به قبله وضو می‌گیرد؛ بنا بر اینکه استقبال در کمال وضو شرط دانسته شود. این کیفیاتی که ذکر شد، با عبادت، خارجاً متحد است که در این صورت، چون ریا مبغوض شارع است و ریا نیز متحد با عمل عبادی است، پس آن عمل عبادی نیز مبغوض شارع و در نتیجه، باطل است و روایاتی که در رابطه با ریا وارد شده‌اند، این مورد را که کیفیت مورد ریا با عبادت متحد باشد، شامل می‌شوند.

فرض دوم، این است که کیفیت مورد ریا متحد با عبادت نیست که در این صورت، به صحت عمل عبادی حکم می‌شود، مثل ریا در رو به قبله وضو گرفتن؛ بنا بر اینکه وضو ظرف برای استقبال دانسته شود و گفته شود که فی نفسه مستحب است؛ نه اینکه استقبال شرط برای کمال وضو دانسته شود. همچنین، نظیر ریا در مضمضه و استنشاق قبل از وضو که استحباب دارد؛ بنا بر اینکه وضو ظرف برای مضمضه و استنشاق باشد؛ نه اینکه مضمضه و استنشاق شرط کمال وضو باشند.

پس در این فرض، ملاک برای حکم به صحت یا بطلان عمل عبادی این است که در هر موردی که کیفیت مورد ریا خارجاً متحد با عبادت باشد، به بطلان عمل عبادی حکم می‌شود، ولی در موردی که کیفیت مورد ریا خارجاً با عبادت متحد نباشد، بلکه مباین با عبادت باشد، به صحت عمل عبادی حکم می‌شود و در این صورت، فقط حکم تکلیفی حرمت ریا هست و از جهت ریا، استحقاق عقوبت متوجه شخص است، ولی حکم وضعی که بطلان عبادت باشد، وجود ندارد.

نکته پنجم، اینکه به نظر مرحوم سید (ره)، اگر جزئی از عمل عبادی ریائاً انجام شود، ریا از آن جزء به همه عمل سرایت پیدا می‌کند لذا به بطلان آن عمل عبادی حکم می‌شود. اما نظر مختار این است که مقتضای روایاتی که در باب ریا وارد شده‌اند، حکم به بطلان نفس جزء واجب است، یعنی همان جزء واجبی که در آن ریا شده است، باطل است و لذا بقیه اجزاء را که شخص با قصد قربت انجام داده است، صحیحند و ریا به همه اجزاء سرایت پیدا نمی‌کند مگر اینکه بطلان آن جزئی که در آن ریا شده باشد، موجب

نقیصه در عمل عبادی گردد و آن جزء تدارک نشود که در این صورت، از باب وجود نقیصه در عمل عبادی به بطلان آن حکم می‌شود و این بطلان از باب سرایت ریا از جزء به همه اجزاء نیست. در این فرض، اگر شخص به همان جزء ریائی اکتفا کند، به گونه‌ای که وجود آن کالعدم باشد، مثلاً اگر شخصی در رکوع نمازش ریا کند و به همان رکوع اکتفا کند و نمازش را با همان رکوع تمام کند، نمازش باطل است، لکن بطلان نماز به سبب سرایت ریا از رکوع به همه نماز نیست، بلکه به سبب وجود نقیصه در نماز است چون ریا در رکوع باعث شده است که رکوع ریایی مذکور، کالعدم باشد، یعنی گویا او اصلاً رکوع را به جا نیاورده است و چون رکوع رکن است، نماز نقیصه پیدا کرده است لذا محکوم به بطلان است.

پس به نظر مرحوم سید (ره)، حکم به بطلان عمل عبادی به سبب سرایت ریا جزء، به همه عمل عبادی است، ولی به نظر مختار، سبب حکم به بطلان، وجود نقیصه در عمل عبادی است. بنابراین، اگر شخصی بعد از اینکه جزئی را ریائاً انجام داد، به آن اکتفا نکرد و فرض این است که شرائط به گونه‌ای است که می‌تواند به آن اکتفا نکند [، مثلاً در هنگام وضو گرفتن، یکی از اجزاء وضو را ریائاً انجام بدهد، ولی به آن جزء ریائی اکتفا نکند و پشیمان شود و آن را دوباره به قصد قربت انجام بدهد]، در این صورت، اگر عمل از اعمالی باشد که با زیادی جزء [به صورت عمدی] باطل می‌شود، مثل نماز، در این صورت، به بطلان نماز حکم می‌شود، ولی اگر عمل از اعمالی باشد که با زیادی جزء، باطل نمی‌شود، مثل وضو، در این صورت، اگر زیادی جزء، موجب اخلال در وضو نشود، عمل صحیح است، ولی اگر زیادی جزء، موجب اخلال در وضو شود، مثلاً موالات به هم بخورد، عمل صحیح نیست.

ممکن است که گفته شود که در همین فرضی که زیادی جزء، موجب اخلال در وضو نمی‌شود نیز وضو باطل است و دلیل بطلان اطلاق روایات باب ریا است که در آن روایات آمده است که اگر انسان عملی را برای خدا انجام بدهد و رضایت مردم را نیز در آن عمل دخالت بدهد، مشرک است، اما به نظر می‌رسد که وجهی برای حکم به بطلان در فرض مذکور، نیست چون شرکت بین خدا و غیر خدا که در روایت به آن اشاره شده است، در جایی محقق می‌شود که عمل یکی باشد و وحدت داشته باشد و شخص بخواهد آن عمل واحد را هم برای خدا و هم برای غیر خدا انجام بدهد، ولی اگر فرض این باشد که عمل واحد نیست، بلکه تعدد داشته باشد، مثل وضو که از غسلتین و مسحتین تشکیل شده است و هر کدام از آنها یک جزء است و شخص بخشی از آن عمل را برای خدا و بخشی را برای غیر خدا انجام بدهد و بعد آن بخشی را که برای غیر خدا انجام داده است، دوباره به قصد قربت انجام بدهد، مشکلی ایجاد نمی‌کند. بنابراین، در این صورت، صدق نمی‌کند که گفته شود که کل عمل برای غیر خدا انجام شده است و باطل است، بلکه با تدارک آن جزئی که برای غیر خدا انجام شده بود، کل عمل به قصد قربت انجام شده است و صحیح است.

نکته ششم، این است که به نظر مرحوم سید (ره)، ریا در جزء مستحب نیز موجب بطلان عمل عبادی می‌شود، لکن به نظر مختار همان‌گونه که در رابطه با جزء واجب عرض شد که اگر ریا در یک جزء، موجب حصول نقیصه در عمل نشود، عمل عبادی باطل نیست، در رابطه با جزء مستحب عرض می‌شود که به طریق اولی ریا در جزء مستحب، موجب بطلان عمل نمی‌شود مگر اینکه ریا در جزء مستحب باعث حصول اخلال در عمل شود؛ مثلاً باعث شود که موالات به هم بخورد که در این صورت، عمل باطل خواهد بود.

«الحمد لله رب العالمین»